



۲۰۱۳/۰۹/۱۳

دوکتور محمد اکبر يوسفی

چند گفتنی نا گفته شده!

درین اواخر، نویسندگان افغان، بخصوص از دنیای «مهاجرت»، بار دیگر مباحث متضاد را در باره «سفر»، اولین «رئیس جمهور افغانستان»، سردار محمد داوود خان شهید، به «مسکو» و صورت «ملاقات با بریژنف»، براه انداخته اند. بدون اینکه در رابطه با درجه «حقیقت» وقوع همین موضوع، اظهاری داشته باشم، از خوانندگان محترم اجازه می خواهم، تا چند مطلب را با ایشان، در میان بگذارم.

دوستان و هموطنانیکه در ارگان های دولتی، اجرای وظیفه نموده باشند، حتماً حد اقل شنیده باشند، که در اجراات امور روزمره، بخصوص در مناسبات خارجی، وقایع و رویداد هایی هم در روابط «دولتین» یا «بین الدول» رخ می دهد، که هر کشور مطابق به قوانین و منافع ملی آن، در تحت نظر و مسؤولیت، مأموران با صلاحیت قانونی، بر هر سند، «مهر» خاص «سریت» و «درجه» سریت می گذارند، که پس از ختم وظیفه در اخیر هر سال، در «قید آرشیف» قرار می گیرد. «آرشیف ها» در همه دنیا، در تحت قوانین خاص محافظت می گردد. بدین معنی که آرشیف ها، در همه دول، از جانب «ارگانهای امنیتی، شدیداً کنترل و حفاظت می شود، تا سوء استفاده صورت نگیرد. در رابطه با مطالعه «اسناد سری»، در مقررات چنان قیوداتی تعیین گردیده است، که «سند اصلی» از «محل حفاظت»، به هیچصورت بیرون برده نمی شود، حتی مطالعه، در حضور «افراد امنیتی» صورت می گیرد، مطالعه کننده، فقط رونویس های مورد ضرورت را برای «انجام وظیفه رسمی»، تهیه می تواند.

«فوتوکاپی» و یا «عکاسی» اسناد، شدیداً ممنوع است. مطالعه و یا مشاهده بعدی آن، با تفکیک هر سند، باید از یک مقام با صلاحیت اجازه «تحریری» بدست آید. در هر حکومت، صرفنظر از اینکه، چه گروهی بر سر قدرت است، فرزندان معصوم این «وطن»، وجود دارند، که به اهمیت حد اقل قوانین و محافظت اسناد هم واقف اند. این چنین اسناد، اسناد حیات دولتی، تمام ملت است. وقتی «بیگانه ها» در جستجوی آن تلاش می ورزند، باید دانست، که چه هدفی را تعقیب می کنند و از افشای آن، چه انتظار بنفع خود داشته می توانند.

جای شک نیست که هر انسان تعلیم دیده و علاقمند به مسایل بین المللی، حد اقل معلومات دارد، که مناسبات رسمی بین دولت های مختلف، از طریق نمایندگی های سیاسی، به سطوح مختلف، تنظیم می گردد. مکاتبه های رسمی، صحبت های پوشیده از مطبوعات و هم بازدید ها و سفر های «کاری» متنوع، بین کشور ها، توسط مسؤولین و «هیأت» دولتین، انجام می یابد. از صحبت های «سری» هر جانب، آنچه را «لازم» می دانند، برای جانب خود یادداشت می گیرند. متون یادداشت های بعضی از «پروتوکول ها»، در مناسبات «حسنة» می تواند، متفاوت باشد. اما بنابر اهمیت موضوعات، اگر جوانب لازم بدانند، ممکن «پروتوکول» های معین را بزبان های مختلف مقایسه و «توحید» کنند. یعنی در سند نهائی، بدون تغییر، بزبان های «ملی» آنها هم، برای «قید» در «آرشیف ها» آماده می گردد.

آنچه بحیث سند «رسمی»، در مناسبات بین دولت ها، شناخته می شود، بعضاً خبر های مختصر در مطبوعات نیز به نشر می رسد، در قدم اول «قراردادها» و «اعلامیه های مشترک» می باشد، که بحیث اسناد، ثبت می شود. چنین اسناد را دولت ها، بعد از موعد معین در «اختیار» مؤرخین و محققین نیز قرار می دهند. «حفظ سریت» وظیفوی، چه «دولتی» باشد، و چه «خصوصی»، همچنان مکلفیتی است ایمانی و وجدانی، که به هیچصورت، نباید جز در وقت وظیفه و یا در ارتباط به وظیفه، روی آن صحبت صورت گیرد، چه جانی که اجازه افشاء داشته باشد. این «راز وظیفوی» در کشور های «پیشرفته» که دارای «قوانین» معتبر اند، از «آغاز تقرر» یا امضای «تعهد نامه» حین اشغال وظیفه، همچنان در زمان بعد از «دوری» شخص مؤظف از وظیفه معینه شرط است، و تا دم مرگ، بحیث مکلفیت شمرده می شود. تخلف از آن توسط طرف «تعهدنامه»، بدون «حکم محاکم» و یا «اجازه رسمی» طرف قرارداد، همچو شخص «مجرم» شناخته شده، «جزای» قانونی به او، داده می شود.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

بخاطر جلوگیری از طویل ساختن موضوع، لازم به تذکر است، که ممکن در راز «دولتی» مطالبی وجود داشته باشد، که افشای آن، بتمام جامعه صدمه ترمیم ناپذیر برساند، چنین عمل اگر آگاهانه و یا نا «آگاهانه» در تحت نفوذ و تأثیر «افکارسیاسی – آیدیالوژیک» فردی و گروهی، یا بههدف منفعت شخصی و گروهی، بدون اجازه مراجع قانونی یک کشور، صورت می گیرد، عمل «غیر قانونی» و «خیانت ملی» شمرده شده، هر عمل غیر قانونی ممکن عمل جرمی باشد.

در تبصره های اخیریکه در ارتباط، به «برنامه» تلویزیونی»، در رابطه با داستان «تبادلله های لفظی» بین رئیس هیأت افغانستان، رئیس جمهور سردار محمد داود خان و «لیونید بریژنف» رهبر «اتحاد شوروی» براه افتاد، اینجانب هم نکات چندی را بعد از مقاله محترم «کاندید اکادمیسین سیستانی» تحت عنوان: «برداشت نادرست از پاسخ داوود خان به بریژنف»، نوشتم. در مقاله عنوان «ریشه بحران افغانستان در کجاست؟» را انتخاب نموده بودم، البته بعضی ها، عکس العمل هایی هم از خود نشان داده اند. عکس العمل ها را بعنوان «برداشت» خود آنها می دانم، که تعبیر نادرست، از نوشته اینجانب داشته اند، قابل بحث نیست.

برای درک اینجانب کافی بوده است، تا بدانم که صرفنظر از همه جوانب دیگر، دو «اظهار» متضاد، در برابر یکدیگر قرار داشته است. این مفهوم را از مقاله محترم سیستانی توانستم استخراج نمایم. بر اساس این «اظهارات» پای «شخصیت» و حیثیت یک وطن دوست صادق و راست کار وطن، چون، سردار محمد داوود خان شهید را در بحث، به شیوه ای که براه افتاده بود، حال هم، نا شایسته و غیر علمی و غرض آلود می دانم. البته فضای «بحث» بین هموطنان ما، طبق آرزو جریان نمی یابد. ورنه، تبصره در باره، دو «حکایت» متضاد، از یک «رویداد» در زمان و مکان معین، از چند نگاه، بسطح ملی، به این شیوه، آنهم در چنین شرایط، عدم امکان دسترسی به «اسناد رسمی»، نباید به پیش برده می شد. اما از آنجائیکه حال «چهل سال» سپری شده است، ممکن است، «مبتکرین» درین راه، به «اهداف» احتمالی «مرموز» خود رسیده باشند.

بسلسله تبصره ها و اظهار نظرها، خاصاً دو نوشته اخیر محترم «عبدالجلیل جمیلی»، که با عناوین: «چند تذکر

و هم گله هم وطنانه از جناب دوکتورسید عبدالله کاظم!» و «دانشمند گرامی القدر و برادر ارجمندم کاندید اکادمیسین جناب سیستانی!»، در «پورتال افغان جرمن آنلاین» انتشار یافته است، حاوی مطالبی است، که علاوه از آنکه بحیث «شاهد صحنه چهل سال قبل» در یک مورد مشخص، تبارز نموده اند، اما داستان های طولانی راجع به «خانواده ها» که مداخله صریح به زندگی شخصی اعضای خانواده سلطنتی وقت نیز بمشاهده می رسد، دور از «احترام به کرامت انسانی» است. این امر حاکی از آنست، که ممکن برای جناب ایشان موضوع «سفر» درین بحث ها، «فرعی» بوده باشد، اما «داستان های» خانواده ها و طعنه های مشخص به آدرس اشخاص مهمتر از همه جای گرفته باشد. چنین حکایات، علاوه از اینکه شک در حقیقت «گفتار قبلی» محترم «جمیلی» را در «محاکم علمی» زنده خواهد ساخت، ممکن شایستگی آنرا نداشته باشد، که در تاریخ جای آبرومند اتخاذ نموده بتواند.

موضوع تاریخ و تحلیل «تاریخی» یک جهت مسئله است، که در چنین مورد هم، بحث را آغاز نمی نمایم. اما اینکه، یک «سند» چگونه و بر اساس کدام «میتود ها»، اصل شناخته می شود، یا اظهار یک شخص تا چه حد، در چه شرایط به حقیقت نزدیک بوده می تواند، موضوعی است، جدا از آن. افراد ای که متمایل به اظهارات مغرضانه و «خصمانه» و یا «جانبدارانه» باشند، از طرف محاکم و «قاضی ها» بحیث شاهد، پذیرفته نمی شوند. جهت تحقیق و بررسی، همچو مسائل ملی، بعد از اینکه، همه «اسناد» جمع آوری می گردد، بعد بر اساس «میتودهای» علمی و «نورم» های معین قبول شده و دلایل «منطقی»، می تواند، در باره موضوع، تحلیل و یا «نظر» ارنه شود.

نظر و نتیجه گیری در رابطه با موضوعات مهم ملی، باید بر اساس «فکت ها»، «اسناد رسمی» و دقیق، بیطرفانه باشد. قضاوت بیطرفانه، باید با حفظ احترام و عزت به انسان ها، انجام گیرد. بدین معنی که هیچ قضاوت خونسردانه و بیطرفانه، نباید، به اشخاص بعنوان تعرض و یا اهانت تلقی شود. حال وقتی، همچو مطالب را بررسی می نمائیم، اینرا هم باید از نظر دور نداشته باشیم، که پای «دروغ»، «افتراء»، «دزدی اسناد» و یا «خیانت» به «تعهدات» متذکره، نیز در میان آمده می تواند. هرگاه «فرضیه ها» در یک تحلیل، ناقص و دور از «حقیقت» در نظر گرفته شود، نتایج آن هم حتماً «غلط» و خسارت مند بدست می آید.

د پانو شمیره: له ۲تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

وقتی یک «سند» بدون «صلاحیت قانونی»، در تحت شرایط خاص، از جانب افراد مورد سوءاستفاده قرار می گیرد، اعتبار اصلی بودن خود را از دست می دهد. ممکن است، یک انسان هوشیار و احتیاط کار هیچگاه، آگاهانه «مال یا امتعه دزدی» را، خریداری ننماید. نوشتن «کتاب» هم، شرایط «قانونی» علنی ساختن یک «راز» را ممکن در بر گیرد. (البته در ژورنالیزم ممکن مطالبی ازین چنین نشر شود، که هدف آن جلب خواننده بیشتر باشد. اما در آن بخش هم، دروغ و یا اظهار غیر دقیق و فتنگرانه مشروع و مجاز نیست.) بخصوص وقتی، خلاف تعاملات و «نورم های» معمول در جوامع، عمل صورت گیرد، طوری که در بالا ذکر شد، ممکن ضرر بزرگ به یک «ملت» برسد، بناءً در چنین حالت، باید به منافع «ملی» در شرایط «بحرانی»، بیشتر توجه صورت گیرد، نه اینکه همه چیز، یعنی دار و ندار یک ملت و آینده آن، قربانی امیال و منافع «شخصی» و یا اهداف «سیاسی» ایدئولوژیک» گروهی و «حزبی» گردد.

وقتی بر متون منتشره «مرور» نمائیم، کسی در کتاب و کسی دیگری در «مقالات»، راجع بیک موضوع، «حکایت» نموده است. در قدم اول هر دو، چه پس و چه پیش، قانون و «سریت» را که منافع عموم مردم، در آن نهفته است، تحریری افشاء نموده اند. اگر قصه های «شفاهی»، توسط «اشخاص» غیر ازین اعضای «هیأت»، به نشر سپرده شود، بدون سند فهمیده می شود، که به معنی افشای راز بوده نمی تواند. در حقیقت هر دو در ارتباط با وظیفه، با این «عمل» مجرم شناخته می شوند. در نتیجه با این عمل، یکنوع «درز» و اختلاف راهم در «جامعه» روشنفکری افغانستان و منجمله «افغانهای مهاجر» دامن زده اند. این در حالی است که زمانی از آن مقام ها، بحیث «مأموران دولت»، نه بحیث «عضو کدام حزب» و یا اینکه پیرو کدام «دین و مذهب»، بوده اند، در بدل انجام وظایف آنها، «معاش و امتیاز دولتی» گرفته اند، در مقامات «عالی» از مصونیت، اعتبار و عزت در اجتماع و محافل نیز، برخوردار بوده اند. جوامع پیشرفته و متمدن در برخورد با اسناد و همچنان در برملا ساختن حقیقت وقایع، با دقت برخورد می کنند، «بیبلانس» منفعت و ضرر آنرا می سنجند.

از یکی «کتاب چاپی»، باقی مانده است و از دیگری «مقالات»، با ذکر کلمات، حتی بشکلی استفاده می نماید، که ممکن برای به کرسی نشاندن حرفهای خود، به ذکر نام «خدا» هم متوصل شده باشد. درینجا، به نسبت «کبر سن» محترم «عبدالجلیل جمیلی» و بنابر تربیت فرهنگی و عنعنوی و زندگی طولانی که پشت سر گذاشته ام، همچنان بنابر احترامی که به بزرگ سالان دارم، ایشان هم بر من حق دارند، که برای ایشان، عمر طولانی تر و صحتمندی کامل آرزو نمایم، اما در عین زمان متأسفم، که در قدم اول، چنین عمل هر دو را «خلاف» مصلحت ملی می دانم. همچنان جای خیلی افسوس است، که در نوشته جناب جمیلی، که قبلاً هم به آن اشاره شده است، عدم توجه به کرامت انسانی، دیده می شود و در باره زندگی شخصی انسان، که در همه ادیان، مذاهب و فرهنگ ها، از تعرض مصوون شناخته شده است، کلمات نا شایسته بقلم می آورد. جناب محترم «عبدالجلیل جمیلی» در نوشته های خویش در جایی چنین مدعی اند، که

«... مرحوم سید وحید عبدالله - معاون وزارت امور خارجه که در عمل سر پرست امور خارجه و منشی مجلس عالی وزرا هم بود (و نه معین آن وزارت که شما نوشته اید) در محضر همه همسفران جلالتمآب رئیس جمهور افغانستان؛ تذکر دوستانه ولی قابل توجهی را یاد آور شده و گفتند که از همه دوستان و همسفران گرامی خواهشمندم که لطفاً داستان این جلسه (یعنی برخورد زبانی) را بکلی نادیده گرفته و از هر نوع تذکر و تبصره بر آن مکلفیتاً و وجیبیتاً خود داری کنیم و خوب متوجه باشیم که کلمه درین مورد از زبان هیچ یک ما خارج نشود که با زاغ و چهل زاغ شدن داستانها از آن ساخته میشود! که همه گفتار او را تأیید کردند و داستان تا آن سالی به خموشی گرانید تا که مرحوم عبدالصمد غوث...»

حال بدون اینکه، روی محتوای این «جملات»، حرفی را بزبان بیاورم، صرفنظر از اینکه، همین جملات از زبان «مرحوم سیدوحیدعبدالله» بوده باشد و یا نه، یک موضوع روشن است که اسناد و همه موضوعات درین مورد، «سری» و مربوط سرنوشت مناسبات بین دو کشور و در نتیجه مربوط تمام مردم افغانستان نیز بوده است. اگر کلمه «نا دیده گرفتن» را، در متن فوق «مرحوم سیدوحیدعبدالله» یاد کرده باشند، حتماً آنرا با مشوره با رئیس هیأت، بزبان آورده است. صلاحیت ارائه نظر را درین رابطه، شخص «رئیس جمهور وقت»، سردار محمد داوود خان شهید، یا مرجع قانونی بعد از «شهادت ایشان»، بعهدده داشته است. متأسفانه، این حرف های «مرحوم

د پانو شمیره: له ۳تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

سیدوحید عبدالله»، که حتماً به امید حفظ منافع ملی در فضای اعتماد تذکار یافته باشد، مورد سوء استفاده قرار گرفته است.

وقتی از قانونی حرف می‌زنیم، هدف نویسنده این مطلب، از هیچ یکی از قدرت‌های بعدی نمی‌باشد، زیرا تا اکنون مردم ما به حالت صلح و ثبات، و حکومت قانونی مشروع نائل نگردیده‌اند. وقتی این سفر نزد مقامات رهبری دولت و مرحوم سردار محمد داوود خان شهید، نه تنها با مطالب مربوطه، «سری» بوده است، که در آن محل، در عقب درهای بسته صورت گرفته است، ممکن طبق معمول، در ختم سفر، گزارش رسمی هم، به امضای رئیس «هیأت»، نگهداشته شده باشد. بناءً اگر اسناد مفقود و یا در گزارش مربوطه، چنین مطالب وجود نداشته بوده باشد، هر گونه اظهار، غیر از «اسناد» بی اعتبار بوده می‌تواند، ولو اینکه به احتمال قوی از جانب حلقه‌های معین، بحيث مواد تبلیغاتی برای اهداف سیاسی معین، استفاده شده باشد.

در خاتمه بار دیگر تأکید بعمل می‌آید، وقتی این دو «طرح» مورد «شک» قرار گرفته است، قاضی‌ها، در چنین «حالات» باید «اظهار» را مقابل «اظهار» و بدون «شاهد» بدانند و در چنین وضعیت، نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید، ممکن زمان و دستیابی به اسناد آنرا حل نماید، نه اینکه «باور» به این و یا آن «طرح» بشکل «شیر خط» انداختن بچگی، پناه برد و یکی آنرا قبول کرد، مضر تر و غیر علمی تر آن شیوه کار خواهد بود تا بخاطر هدف «احتمالی» تبلیغاتی و سیاسی، از هر دو متن کلمات را انتخاب و از آن مفهوم دلخواه تعریف کرد.

سرنوشت یک ملت و روابط خارجی آن بالاتر از هر گونه خواست و «تمایل» فردی است. اولاً باید، توجه به یک اصل مبذول گردد، که «محققین» کدام بخشی از «اظهارات» را با کدام قیمت احتمالی، درست می‌دانند، چه کسی از آن «سود» برده و می‌برد، وقتی روی «فرضیه‌های» نا درست، یا اقلماً «مکدر» نتیجه‌گیری طوری صورت گیرد، که ممکن بر اساس همچو فرضیه‌های بی پایه، به حیثیت و خدمات فراموش ناشدنی، شخصیت عزیز و محترم وطن، سردار محمد داوودخان شهید صدمه وارد آید. طوریکه در مقاله قبلی ام، تذکر داده ام، ممکن بعد از «مرگ» ما، نسل‌های آینده، این امکان را بدست آورند، تا با مراجعه، به «آرشیف» ها، خود به حقایق «تأریخی» دست یابند. فقط در شرایط صلح و «ثبات» و در شرایط استقرار یک حاکمیت قانونی و آگاه، ممکن است، قضاوت علمی صورت گیرد و برخلاف شیوه برخورد «محترم جمیلی»، تحلیل بدون تبصره‌های نا شایسته بر زندگی اشخاص و خانواده‌های آنها، که با «مذاکرات در مسکو» هیچ ربطی نداشته‌اند، انجام گیرد.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ